

برندگان جوایز نوبل

سال ۱۹۹۰

۲۲۰

"آلفرد نوبل" شیمیدان سوئدی در سال ۱۸۳۳ در استکهلم به دنیا آمد و در سال ۱۸۹۶ در "سانرمو" (ایتالیا) درگذشت. او طی شصت و سه سال عمر خود یکی از صاحبان برجسته صنایع گشورش شد و عمری را بر سر مطالعه مواد قابل انفجار گذاشت و "دینامیت" از کشفیات اوست. نوبل در اواخر عمر وصیت کرد که پس از مرگش، از ثروت کلانی که از خود به جا می‌گذارد، هر سال پنج جایزه به کسانی داده شود که در زمینه‌های فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و پزشکی، ادبیات و صلح بیش از دیگران به بشریت خدمت کرده‌اند... و فرهنگستان علوم سوئد که وصی این وصیت‌نامه است، در سال ۱۹۶۸ جایزه جداگانه‌ای هم برای علوم اقتصادی در نظر گرفت و شمار این جوایز را به شش رساند.

* امسال جایزه نوبل فیزیک به دو دانشمند آمریکایی: "جروم فرایدمن" ۱ و "هنری کندال" ۲ و یک دانشمند کانادایی به نام "ریچارد تیلور" ۳ تعلق گرفت که

کاشف " کارکر " ۴ هسند . معنی کوچکترین حره یک جسم سسط که تا اویل قرن بیستم همه خیال می کردند " اتم " است و اتم حره لاینجری است ! ولی بعدها فهمیدند که اتم از مقداری الکتروسیته ، مثبت به نام " پروتون " و مقداری الکتروسیته منفی به نام " الکترون " ساخته شده است و با تجزیه آن ، آفاسیس در میان آمد . . . و حالا در آخر قرن ، جای آن را " کارکر " گرفته ، چیزی به مراتب کوچکتر از اتم که در دل پروتون و نوترون فرار دارد .

* جایزه نوبل شیمی به یک دانشمند آمریکائی به نام " الیاس جیمز کوری " ۵ ار دانشگاه هاروارد داده شد برای کشف یک ماده حیاتی که می تواند به داروهای امکان ساخته شدن بدهد که تاکنون بهره برداری از آنها غیرممکن به نظر می رسد .

* جایزه علوم اقتصادی نوبل نیز بین سه آمریکائی تقسیم شد که عبارت بودند از " هری مارکوویچ " ۶ نخستین شخصی که نظریه " کف غلی " را در بورس رایج ساخت .

بدین معنی که خرید سهام مختلف ، بر سرمایه گذاری جهت خرید یک سهم مهم رحمان دارد و خطر ورشکستگی در آن کمتر است . . . اما چون انتخاب بهترین سهام ، نیازمند محاسباتی بود که مدتها از عهده کامپیوترها بر نمی آمد ، " ویلیام شارب " ۷ روشی وضع کرد که به نام " کیف غلی بازار " معروف شد . . . و بنابراین او نیز در جایزه نوبل علوم اقتصادی امسال شریک و سهیم گردید ؛ و بالاخره پای سوم این جایزه " مارنون ملر " ۸ بود که نظریه پایه را برای سرمایه گذاری مؤسسات وضع کرده است که بنا بر این نظریه ، میان ارزش مالی یک مؤسسه و بهره کاری هایش ارتباطی وجود ندارد و برخلاف تصور بسیاری از صاحبان مؤسسات ، دارائی یک مؤسسه با گرفتن وام برای خرید سهام جدید افزایش خواهد یافت ، چون این امر خطرات ناحت را نیز بشیر خواهد کرد .

* جایزه پزشکی و فیزیولوژی به دو محقق آمریکایی به نامهای " جوزف مورای " ۹ و " دونالد سوماس " ۱۰ به خاطر کشفیات آنها در پیشرفت پیوند اندامها و سلولهای بدن داده شد .

* جایزه صلح نوبل به " میخائیل گورباچف " رهبر اتحاد جماهیر شوروی داده شد که " ترسروشکالی " او کشور شوراهها را در راه نجدد به تحرک واداشته و " کلاسنوست " اش

4. Quarkes

5. E. J. Corey

6. H. Markowitz

7. W. Sharp

8. F. Miller

9. J. Murray

10. D. Thomas

دهانهای بسته را باز کرده است... و با تعقیب این سیاست، نه فقط اتحاد جماهیر شوروی از انزوای سیاسی خطرناکی که دچار آن شده بود، رهایی یافته، بلکه کشورهای شرق اروپا هم مجال پیدا کرده‌اند که دموکراسی از دست رفته خود را بازیابند و به جنگ سرد خاتمه بدهند و دنیا را از قالب دو بلوک شرق و غرب بیرون بیاورند...

گورباچف که خود اقرار کرده است هرگز به تصورش نمی‌گنجید که تحولات سیاسی پیشنهادی او چنین ابعاد گسترده و عمیقی به خود بگیرد، عکس‌العملش به هنگام دریافت خبر این انتخاب بدین ترتیب بروز کرد که فرهنگستان سوئد با اعطای این جایزه به لیاقت و کفایت شخصی من ارجح نگذاشته. بلکه به این ترتیب خواسته است از همت ملل اتحاد جماهیر شوروی که علمدار یک چنین انقلابی شده‌اند، فدراسی به عمل بیاورد...

* و بالاخره جایزهٔ بویل ادبیات امسال به "اکتاویو پار" ۱۱ شاعر و محقق مکزکی تعلق گرفت که اندیشه‌های عمیق و نوعدوستانه‌اش در سراسر جهان شهرتی بسزا کسب کرده است. اکتاویو پار که در موقع اعلام حیران حایزه، برای یک رشته سحرانی به نیویورک رفته بود، وقتی از این امر باخبر شد، از اینکه برای اولین بار یک چنین جایزه‌ای را درخیز ادبیات کشور مکزیک دانستند، خوشحالی خود را پنهان نکرد و گفت: این پیشامد، این اعتقاد را در من تقویت می‌کند که نویسنده، یک آسان مروی نیست بلکه جزئی از یک جامعه و بخشی از یک سلسله آداب و رسوم است.

اکتاویو پار که در ۳۱ مارس ۱۹۱۴ در مکزیکو به دنیا آمده، پسر یک روزنامه‌نگار سرشناس مکزکی است که مدتی نمایندگی "امیلیانو زاپاتا" ۱۲ رهبر انقلابی مکزیک را در ایالات متحد آمریکا بر عهده داشت. اکتاویو پار خیلی زود نسبت به مدرسه از خود سی‌علاقگی نشان داد و آموزش واقعی‌اش را در کتابخانهٔ بسیار غنی پدر بزرگش با خواندن آثار نویسندگانی از فیصل "ژان راک روسو"، "میشله"، "ویکتور هوگو" و باره‌ای از نویسندگان رمانتیک به دست آورد و در سن چهارده‌سالگی با نوشتن مقاله‌ای به نام "رؤیاهای تحریک‌کننده" که تفراتی در زمینهٔ جهنمی بود که کاتولیک‌ها، گناهکاران را از آن می‌ترساندند، در آسانهٔ بلوغ، خود را از قید و بندهای کاتولیکی رها کند... و دو سه سال بعد، مقدمات انتشار یک نشریهٔ ادبی را فراهم آورد و در نوزده‌سالگی نخستین مجموعهٔ اشعار خود را به نام "هلال ماه" به چاپ رسانید.

سال ۱۹۳۷ که پار ۲۳ ساله بود، برای او یک سال سرنوشت‌سار شد، زیرا در این سال عملاً "اندیشه‌های ادبی و سیاسی او شکل گرفت و به دعوت نویسندگان اسپانیایی، برای شرکت در کنفرانس نویسندگان صدفاشیست، به اسپانیا رفت و در آنجا با شاعران و نویسندگانی نظیر: "پابلو نرودا" ۱۳ شاعر اهل شیلی، "روبر دستوس" ۱۴ شاعر

فرانسوی و " آندره برتون " ۱۵ نویسنده سوررئالیست فرانسه طرح دوستی ریخت و خود نیز یک نویسنده و شاعر سوررئالیست شد و به صف نویسندگان چپ پیوست ، گو اینکه در این صف ، پس از پیمان اتحاد جماهیر شوروی و آلمان هیتلری ، شکست افناد و کسانلی نظیر اکتاویو پاز برای خود راه مستقلی در پیش گرفتند و از دنباله‌روی شوروی دست برداشتند .

در سال ۱۹۴۴ پاز با گرفتن یک بورس ادبی رهسپار ایالات متحد آمریکا شد و در آنجا مجموعه شعر دیگری به نام " کلاف سردرگم تنهایی " انتشار داد که شهرت او را از مرزهای کشورش فراتر برد . از سال ۱۹۵۱ که اکتاویو پاز به مدت هفده سال به ماموریت‌های دیپلماتیک رو آورد و از جانب کشورش وظایفی را در کشورهای مختلف جهان بر عهده گرفت که آخرین آن در سال ۱۹۶۸ سفارت مکزیک در هند بود ، همه کوشش این نویسنده و شاعر دیپلمات این بود که تعادلی میان کارهای سیاسی و ذوق ادبی و هنری خود به وجود بیاورد و هیچیک را فدای دیگری نکند . . . چنان که حالا هم که از کارهای دولتی کناره گرفته ، همچنان سفیر غیررسمی دوره‌گرد فرهنگ مکزیک در دنیا باقی مانده است .

اکتاویو پاز که از زمان انتشار نخستین اثر ادبی برجسته‌اش به نام " آزادی مشروط به عهد " در سال ۱۹۴۹ ، تا حال لحظه‌ای از پا ننشسته و کتاب پشت کتاب نوشته و شعر بیشتر شعر سروده ، در حال حاضر مدیریت یک نشریه ادبی به نام "Vuelta" را در شهر مکزیکو بر عهده دارد و در چند آکادمی بین‌المللی جهان نیز تدریس می‌کند .

15.A.Berton

ابوالحسن ورزی

جاودان رفت

که از دنیای ما دامن کشان رفت
 به گلزار بهشت جاودان رفت
 که چون کوبک به سوی آسمان رفت
 به جمع دوستان مهربان رفت
 که با نام نکو از این جهان رفت
 که گوئی از تن ما نیز جان رفت
 مگو هرگز که از یاد زمان رفت
 که از این دامگه تا آشیان رفت

ز دکتر یوسفی افسوس افسوس
 زمین چون شوره‌زاری بود او را
 زمین را تنگنای تیره می‌دید
 رفیقی پاکباز و مهربان بود
 نکونامان به شهرت جاودانند
 چنان از مرگ او آزرده گشتیم
 زمانه همچو او کم پروراند
 بهشت جاودان بود آشیانش